

باموزیکولوژی و هدفهای آن آشنا شویم (۹)

نظرات کارل شتومپف درباره :

## تطبیق و تحریر آهنگهای بومی

شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در شماره گذشته تحت عنوان تشخیص اصالت آهنگهای بومی نظریات موزیکولوگ بزرگی چون « کارل شتومپف » را تشریح کردیم و بخصوص نظریاتیرا که وی درباره دو آهنگ محلی که توسط موزیکولوگ های غیر حرفه ای ضبط شده بود متذکر شدیم . اینک بی مناسبت نیست این بحث آموزنده را ادامه دهیم و از نظرات دیگر آن استاد بزرگ استفاده ببریم .

عیوب ملودی مورد انتقاد کارل شتومپف ( که در دو شماره گذشته نمونه آن درج شد ) باعث شد که وی توجه بیشتری بدان مبذول داشته و در عواملی که باعث میشود این ملودیها برشته تحریر در آیند عمیقتر بررسی بنماید .

شتومپف در صفحه ۷۰ کتاب « ابتدای موسیقی » اقدامات و نتایج حاصله از این بررسی‌ها را اینطور ذکر میکند: « از آنجائیکه نمونه موسیقی « فوق<sup>۱</sup> در نظر من مشکوک و غیر قابل قبول بود طی نامه‌ای از نویسنده آن « که خود از بزرگترین محققین تمدن افریقائی است تقاضا کردم که توضیحات بیشتری در این باب داده و تشریح نماید که وی چگونه این آهنگ را « فرا گرفته و بصورت نت موسیقی در آورده است و آیا امکان آن هست که « این موسیقی از جای دیگر به آن محل آمده باشد؟

« در جواب این سئوالات نویسنده ملودی، طی نامه‌ای توضیحات زیر « را برای روشن شدن ذهن من فرستاد :

« ملودی فوق را من همانطور که هست باز گو کرده‌ام یعنی همانطوری « که بگوش من خوش آیندتر بود! و شاید هم این ملودی بدون آنکه خود « بخوام یا توجه داشته باشم کمی رنگ اروپائی بخود گرفته باشد! فقط « میتوانم بگویم که زمانیکه من آنرا شنیدم و یاد گرفتم در من تأثیر فراوانی « باقی گذاشت .

« از آنجائیکه به این ملودی علاقه زیادی داشتم مسلماً همیشه پیش « خود آنرا زمزمه میکردم بخصوص در مواقع راه پیمائی علاقمند بخواندن « آن بودم . اصولاً من عادت دارم که از ملودی‌هایی که می‌پسندم در موقع « راه پیمائی زمزمه نمایم و برای تسهیل کار آنرا بازیشم قدم های خود « مطابقت داده و حالت مارش بآن بدهم ! و بهمین جهت معتقدم که این نوع « ملودی‌ها را میتوانم بعد ها همانطور که هستند باز گو نمایم ! بنظر من « آهنگی که مثلاً حاوی یکصد نت میباشد بطریق اولی باید ملودیک باشد « در غیر اینصورت میتوان آنرا ملودیک نمود! . موقعیکه میخواستم ملودی را « برشته تحریر در آورم برادر مرحومم که خود موسیقیدان بزرگی بود « بکمک من شتافت و من توانستم با راهنماییهای وی آنرا به نت در آورم « و من خود معتقدم که این ملودی به بهترین وجهی باز گوشده و غیر ممکن « است کسی بتواند آنرا بهتر از این بنویسد .»

۱ - به مجله موسیقی شماره ۵۴ صفحه ۶ مراجعه شود .



شتومپف هر نوع اظهار نظر در این مورد را به خوانندگان واگذار کرده و جواب خود را در خود نامه مستتر میداند.

تنها توضیحی که وی درباره این نامه میدهد اینست که میگوید: « بنظر من این نامه و توضیحات آن نمونه جامعی برای انواع خودمیباشد. « وقتیکه فکر میکنم باین نتیجه میرسم که يك ملودی بیچاره! اگر همیشه بحالت زمزمه برای رفع تنهایی، با ایجاد ضرب در راه پیمائیهها (که همیشه یکسان نیستند) اجرا گردد به چه شکلی درمیآید؟ آیا واقعاً میتوان ادعا کرد که ملودی بحالت اصلی خود باقی مانده است؟

« نویسنده محترم نامه در توضیحات خود در مورد تدوین این آهنگ « عذر بدتر از گناهی میآورد یعنی اینکه میگوید برادرم که موسیقیدان قابلی بود در تدوین ملودی بمن کمک کرده است. این موضوع برای من قابل درک نیست که يك موسیقیدان پاك! اروپائی که در تمام مدت عمرش حتی یکبار هم موسیقی غیر اروپائی نشنیده و هیچوقت با آن آشنائی نداشته است چگونه توانسته است عادت گوش خود را تغییر دهد و يك ملودی غیر اروپائی را (اگرچه خواننده تا اندازه ای اصالت آنرا حفظ کرده باشد) بطور کامل و اصیل به نت درآورد؟»

شتومپف در پایان توضیحات خود درباره نامه فوق اضافه میکند: « من نمیخواهم به دانشمند محترمی که ملودی فوق را بدون ذکر ماخذ و محل « صحیح بازگو کرده است جسارتی بنمایم ولی همینقدر میدانم آن چیزی را « که وی اصیل و حقیقی میدانند آن چیزی نیست که روایت کرده است بلکه « اصل چیز دیگری است که او از ذکر آن عاجز بوده است.»



نظریات کارل شتومپف درباره تشخیص اصالت موسیقی های محلی و بومی میتواند مسلماً بسیار آموزنده باشد و با توجه به زمانیکه وی این نظریات را ابراز داشته است (دهه اول قرن اخیر) اهمیت موضوع محقق تر میگردد. بطوریکه ملاحظه شد شتومپف در ابراز عقاید خود بهیچوجه جنبه تئوری کار را مقدم نگرفته بلکه عملاً در اثبات آن کوشیده است. وی بارها

اسناد و مدارك مسلم نظريات خود را اثبات نموده و برای جبران اشتباهات راهنمائيهای ارزنده ای ابراز داشته است .

درباره اینکه يك محقق چگونه ممکن است در تطبیق انواع موسیقی ظاهراً مشابه دچار اشتباهاتی گردد وی متوسل به مثال زنده دیگری شده و درباره آن چنین میگوید :

» من لازم میدانم که توجه دوست عزیزم آقای فریدلندر را به یکی  
» از آوازه های محلی جلب نموده و اشتباهی را که وی در مورد تطبیق آن با  
» آهنگ نظامی زیر نموده است بوی گوشزد نمایم .



» آهنگ فوق را که دوست عزیزم بعنوان يك آهنگ افریقائی ذکر  
» میکند و ادعا مینماید که باعین آن که در آرشیو برلین توسط هورن بوستل  
» بسال ۱۹۰۶ تحت شماره ۱۸۹ ضبط شده است کاملاً مشابه میباشد و این  
» خود دلیل برهماهنگی موسیقی اروپائی و غیراروپائی در بعضی از موارد  
» میتواند باشد ، نوعی از فرم موسیقی میباشد که قضاوت ناصحیح در آن  
» میتواند انسان را به اشتباهات جبران ناپذیری گرفتار سازد .

» اولاً این ادعا که این دو آهنگ اروپائی و افریقائی کاملاً شبیه هم  
» هستند در نظر من کاملاً مشکوک است . قدر مسلم اینست که این آهنگ  
» میتواند فقط تا اندازه ای شبیه آهنگ مشابه اروپائی باشد و حتی میتوان  
» بین ملودی فوق و ملودی افریقائی که قبلاً ذکر شد وجوه تشابهی پیدا  
» کرد .<sup>۲</sup>

» ولی این موضوعات بهیچوجه نمیتواند دلیل مستندی برهماهنگ  
» وهم شکل بودن موسیقی اروپائی و افریقائی باشد .  
» بطور قطع در افریقا ملودی هائی وجود دارد که کوتاه و مقطع

M. Friedländer - ۱

۲ - مجله موسیقی شماره ۵۴ صفحه ۶ مقال شماره ۴



» بوده بطوریکه میتوان روی آنها کلمات « هورا » را همانطوریکه در  
» ملودی فوق ملاحظه میشود کنجانده ولی آیا میتوان تصور کرد که این دو  
» ملودی در اصل یکی است و یا اصولاً وجوه تشابهی از لحاظ ریشه ملودی  
» در آنها یافت میشود؟

» عقیده من اینست که در مورد مثال تطبیقی فوق بهیچوجه نمیتوان  
» کلمه علم را بکار برد و آنرا يك تحقیق علمی دانست . برای من مسلم است  
» اگر عین همین ملودی که دوست عزیز من آنرا افریقائی میدانند روی  
» لوله فونوگرام ضبط گردیده بود میتوانستم در مدت کوتاهی عدم صحت  
» نظریه او را بخود وی ثابت نمایم .

در مورد تحریر آهنگهای بومی در محل بدون استفاده از دستگاه  
فونوگرام ، کارل شتومپف ، توضیحات زیر را میدهد :

» من بهیچوجه نمیخواهم آهنگهای آنها را که محققین در سفرهای خود  
» بدون داشتن دستگاه فونوگراف و صرفاً از راه گوش نت نویسی میکنند  
» بطور کلی غیر قابل اعتماد و بکلی مردود بدانم بلکه آنها چیز بسیار  
» مفیدی نیز میدانم بشرط آنکه این محققین قبلاً یعنی پیش از شروع به -  
» مسافرت گوش خود را با وسائلی که موجود میباشد به این نوع موسیقی تا  
» اندازه ای عادت دهند تا بعداً دچار اشکال و اشتباه نشوند . وسائلی که  
» میتوانند مورد استفاده این محققین قرار گیرند عبارت است از مطالعه آهنگهای  
» جمع آوری شده در آرشیوها ، موسیقی های تدوین شده که در کتابهای  
» تحقیقی درج گردیده است و مطالعه درباره اصالت و اشتباهاتی که ممکنست  
» در تشخیص آن رخ داده باشد ، استفاده از معلومات بومیانیکه در محل  
» زندگی آنها اقامت دارند و یکی از زبانهای اروپائی را یاد گرفته اند ، ولی  
» باید توجه داشت که این بومیان در اثر اقامت در اروپا تحت تأثیر موسیقی  
» غربی قرار نگرفته و هنر اصلی خود را حفظ کرده باشند .

» نکته دیگری که در تشخیص اصالت و بازگو کردن صحیح آن باید  
» حتماً مورد توجه قرار گیرد طریقه و متدنت نویسی است . اصولاً نت نویسی  
» نباید بسبب شخصی و غیر علمی باشد بلکه باید طبق قراردادهاییکه قبلاً  
» درباره نت نویسی بخصوص نوشتن فواصل موسیقی غیر اروپائی وجود

« دارد انجام گیرد . بک قطعه موسیقی باید همانطور که در اصل وجود دارد  
 « برشته تحریر در آید و نویسنده بهیچوجه اجازه ندارد آنرا مورد انتقاد  
 « شخصی قرار دهد و بمنظور زیبا جلوه گر ساختن آن در آن تحریف یا  
 « دخل و تصرفاتی بنماید . من تأکید میکنم که انتقاداتی که اتنولوگ‌های  
 « مکتب جدید حق ابراز آنرا برای خود محفوظ داشته‌اند در مورد موسیقی  
 « بومی اعمال نشود و خود محققین و موسیقیدانها هم از این حق در باره تدوین  
 « موسیقی استفاده نکنند . اگر قرار باشد هر کسی بخواهد موسیقی بومی  
 « جاهای دیگر را طبق دلخواه و سلیقه خود انتقاد و بمیل خود آنرا تفسیر  
 « نماید و تغییر شکل و ماهیت بدهد بهیچوجه نمیتوان امیدوار بود که روزی  
 « آهنگهای اصیلی در دسترس ما قرار گیرد . »

( بقیه دارد )

دکتر خاچی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی